

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۰۳ جنوری ۲۰۲۲

فریده نوری

رجعت به یادداشت ها قسمت هفتم



جز کوی تو دل را نبود منزل دیگر
گیرم که بود کوی دیگر کو دل دیگر؟

ضرب المثل ها:

گرد آورنده: مرجان کمال

حرف د

- داشتم داشتم را بگذار، از دارم دارم بگو.
- دامن خود را ، سر خود بالا کردن.
- دانا داند و پرسد، نادان نداند و نپرسد.
- دانایی، توانایی است.
- در بیابان گرسنه را شلغم پخته بهتر از نقره خام.

- در بیابا، کفش نعمت خداوند است.
- در جنگ نان و حلوا تقسیم نمی شود.
- در جوانی مستی، در پیری سُستی، پس خدا را کی پرستی؟
- در چهل سالگی تنبور می آموزد، در گور استاد خواهد شد.
- در حوضی که ماهی نیست، بقه پادشاه است.
- در خانه خود نگهدار، همسایه را دزد نگیر.
- در خانه مورچه، شب‌نم طوفان است.
- درخت کج جز به آتش راست نمی شود.
- گلیم بخت کسی که بافته اند سیه به زمزم نتوان کرد سپید
- دروازه را می توان بسته کرد، اما دهن مردم را نمی توان.
- دل تنگ نباشد، جای تنگ نیست.
- در دنیا هم خوبی می ماند و هم بدی.
- در روز جمعه طفل مکتب گریز را به مکتب آورد.
- درس معلم گر بود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریزیا را
- در شهر کورها، یک چشمه پادشاه است.
- در عفو لذت‌یست که در انتقام نیست.
- در هفت آسمان ستاره ندارد، در زمین سایه.
- دروغگو حافظه ندارد.
- دزد از خانه مفلس، خجل آید بیرون.
- دزد، بازار آشفته می خواهد.
- دزد باش و مرد باش.
- دزد در سر خود پر دارد.
- دزد به یک راه می رود و صاحب مال به یک راه.
- دست بشکنند در آستین، سر بشکنند در کلاه.

- دست تنگی بدتر از دلتنگی است.
- دست دست را می شناسد.
- دست دکاندار تلخ است.
- دست راست را از دست چپ تشخیص داده نمی تواند.
- دستش به دم گاو بند شده است.
- دستش به دهندش می رسد.
- دستش بی نمک است.
- دستش را پشک لیسیده.
- دست که بسیار شد، برکت کم می شود.
- دستی را که نمی توان برید، باید بوسید.
- دسته گلی به آب دادن.
- دست شکسته، امیل گردن.
- دل به دریا زدن.
- دشمنان در زندان با هم دوست شوند.
- دشمن دانا بلندت می کند، بر زمینت می زند نادان دوست.
- دشمن دانا که غم جان بود، بهتر از آن دوست که نادان بود.
- دشمن را حقیر و بیچاره نشمار.
- دلاک ها که بیکار می شوند سر یک دیگر خود را می تراشند.
- در این دنیا کسی بی غم نباشد، اگر باشد بنی آدم نباشد.
- دل به دل راه دارد.
- دل را به دل رهیست در این گنبد سپهر، از کینه، کینه خیزد و از روی مهر، مهر.
- دل دسترخوان نیست که بتوان نزد هر کس پهن کرد.
- درد دندان کندن است.
- دم ضرر را از هر جا بگیری فایده است.

- دندان روی جگر گذاشتن.
- دنیا پس از مرگ، چه دریا چه سراب.
- دنیا جای آزمایش است، نه جای آسایش.
- دنیا را آب ببرد، او را خواب می برد.
- دنیا را همه گر آب برد "فدوی" را خُر و پوف خواب برد
- دنیا را آب بگیرد، مرغابی را تا بند پایش است.
- دو پا داشت دوی دیگر قرض کرد.
- دود شد و به هوا رفت.
- دودکش از داخل آتش می گیرد.
- دوری و دوستی.
- دستش به آلو نمی رسد، می گوید آلو ترش است.
- دست به کاسه؛ مشت به ابرو. (روابط نزدیک، ولی متضاد)
- دیگران را در آئینه خود دیدن.
- دست شکسته بالای شکم گرسنه. (صبر کردن و قناعت داشتن)
- دیگر دیگر است و جگر جگر. (تفریق خو و بیگانه)
- دیگ شریکی را سر چهار راه مشکن.
- دیدار به قیامت.
- دود چراغ زیاد خورده است. (اشاره می کند به تلاش زیاد و شب زنده داری های زیاد برای کسب علم)
- در ملک دیگر درخت غرس کنی صدای تبر می آید. (نا امید از غربت و دوری از وطن)
- دیوانه از دیوانه خوشش آید.
- کبوتر با کبوتر، باز با باز کند همجنس با هم جنس پرواز
- دزد زور آور و صاحب مال کم زور. (غاصب زور مند)
- دزد را با پشتاره گرفتن.

- دزد از سایه خود می ترسد.
- دوستی به زور نمی شود و مهمانی به تقلید. (بی مدعاپی در روابط و ارتباطات)
- دو تربوز در یک دست گرفته نمی شود.
- در گوش خر یاسین خواندن سود ندارد.
- در جنگ نان و حلوا بخش نمی شود.
- ده در کجا و درخت ها در کجا.
- در نمد مو پالیدن.
- در سختی صبر داشته باش.
- در یخ نوشتن و در آفتاب ماندن.
- در شهر کوران یک چشمه پادشاه است.
- دندان بالای دندان گذاشتن.
- دنبه از بین خود کرم می افتد. (هر مشکل از خود به وجود می آید)
- داشته آید به کار، گر چه بود زهر مار.
- دوست آن است که بگریاند، دشمن آن است که بخنداند.
- دوست خوب در روز بد شناخته می شود.
- دوست همه کس دوست هیچ کس نیست.
- دوغ خانگی ترش است.
- ده انگشت را خدا برابر نیافریده.
- دهن مردم را نمی شود بست.
- دیده می بیند، دل می خواهد.
- دیگ شراکت جوش نمی آید.
- دیگران کاشتند ما خوردیم، ما می کاریم تا دیگران بخورند.
- دیوارها موش دارد و موش ها گوش.
- دیوار نم کش.

- دست زیر سنگ بودن. (مجبور بودن)
- دست از پا دراز تر.
- درد دیگری به دیگری، همچو انجیر تری. (احساس در قبال مشکلات دیگران)
- دزد نابلد در کاهدان داخل می شود.
- دو تربوز در یک دست گرفته نمی شود.
- دود از گنده پوده می خیزد.
- دور نرو که گرگ می خورید، نزدیک نیا که دیده ندارم.
- دوست می گوید گفتم، دشمن می گوید خواهم گفت.
- دیر آید و درست آید.
- دیر رسیدن از نرسیدن بهتر است.



گل پر پر کجا گیرم سراغت
 صدای گریه می آید ز باغت
 صدای گریه می آید شب و روز
 که می سوزد دل بلبل ز داغت